



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الإمام الرضا

فهرست

الحجرات

١

«إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلَدُ قُمْ  
وَسُتُدفنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةَ  
فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»؛<sup>۱</sup>

ما را حرمی است که آن شهر قم باشد  
و به زودی در آن تربت مقدسه بانویی از فرزندانم به نام فاطمه قرار خواهد گرفت  
و هر که او را زیارت کند بهشت بر او واجب شود.

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۷، ص ۲۱۷

## السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِم)

حريم ملكوتی حضرت مولاتنا و سیدتنا فاطمة المعصومة (سلام الله علیها) در لسان نورانی ثقلین به «عُشَّ آل محمد (عليهم السلام)»<sup>۲</sup> مسمی شده است. «عُشَّ» به معنای مأوی و ملجأ پرنده روی درخت است؛ «عُشَّ الطَّائِرُ، موضعه الذي يأوي إليه»<sup>۳</sup> و یجمعه من دقاق العیدان أو غيرها و هو فی أفنان الشجر».

### • آستان قدسی حضرت فاطمة معصومة، ملجأ، مأوی و معدن است؛

کھف حصین حضرت فاطمة معصومة، چنان مادرشان حضرت فاطمة الزهراء (سلام الله علیهما)، حرم آل محمد<sup>۴</sup>، مأوی شیعتهم<sup>۵</sup> و مأوی الفاطمیین<sup>۶</sup> است. و چنانچه در کنوز حدیثی نقل شده است، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) در معراج، بقعه مبارکه قم مقدسة را صورتی از مدینه الزهراء (سلام الله علیها) رؤیت نمودند؛ «هَذِهِ صُورَةُ مَدِينَةِ يُقَالُ لَهَا قُمْ»<sup>۷</sup>، و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز آن تربت مقدسة را به اسم اعظم «زهراء»

۲ . عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیدة النساء إلی الإمام الجواد، ج ۲۱، کاظم علیه

السلام)، ص ۳۴۷

«قُمْ عُشُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَأْوَى شِيعَتِهِمْ»؛ قم آشیانه آل محمد است و جایگاه شیعیانشان.

۳ . القاموس الجامع للمصطلحات الفقهية، ص ۶۵۸

۴ . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۷، ص ۲۱۷

۵ . عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیدة النساء إلی الإمام الجواد، ج ۲۱، کاظم علیه

السلام)، ص ۳۴۷

۶ . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۷، ص ۲۱۵

۷ . الإختصاص، النص، ص ۱۰۲

مسمّی نمودند؛ «تِلْكَ الَّتِي تُسَمَّى الزَّهْرَاءُ»<sup>۸</sup>. این زهور زهرایی آن حضرت از این باب است که نور علم آل محمد (علیهم السلام) از ساحت قدسی شان عالم را تابناک کرده است، چندان که مستجیران و مستغیثان آستان ملکوتی حضرتشان را فقهای اهل درایت در حقیقت دین و حجتها علی الخلق توصیف کرده اند.

همچنان که حضرت اُصدق الصادقین (سلام الله علیه) بقعه مبارکه آن حضرت را معدن علم و فضل آل محمد (علیهم السلام) معرفی کرده و فرمودند:

«...تَصِيرُ [قَم] مَعْدِنَ الْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَذَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمَّ وَأَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَلَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينُ وَالْعِلْمُ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ ...»<sup>۹</sup>؛

قم، معدن علم و فضل می شود، تا آن جا که بر روی زمین کسی نمی ماند که در معرفت دین ضعیف و ناتوان باشد، حتی زنان پرده نشین؛ و این واقعه نزدیک ظهور قائم ما (أرواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) است. خداوند متعال، قم و اهل آن را جانشین مقام حجت می کند. اگر چنین نبود هر آینه زمین اهل خود را فرو می برد و در روی زمین حجتی باقی نمی ماند. علم از این شهر به شهرهای

<sup>۸</sup> . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۷، ص ۲۱۸

<sup>۹</sup> . عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد، ج ۲۱، الکاظم علیه السلام)، ص ۳۴۳

دیگر در شرق و غرب عالم سرازیر می شود و بدین سان حجت خدا بر بندگانش تمام می شود؛ چندان که در گره خاکی کسی نمی ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد . سپس حضرت قائم (علیه السلام و الصلاة) ظهور می کند.

### • استقرار در این آستان قدسی، مخصوص طائرین است؛

حرم قدسی حضرت فاطمة معصومة (علیها السلام)، حرم آل محمد و مأوای طائرین است.

«وَالطَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ»<sup>۱۰</sup>

و «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ كَالطَّائِرِ...»<sup>۱۱</sup> و «الطُّيُورُ... هَذَا جَبْرِئِيلُ وَهَذِهِ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ»<sup>۱۲</sup>

طائر آن وجودیست که سیر ملکوتی دارد، چنانچه ملائکه گروهی از اطیاری می باشند. پس طائر آن وجودیست که ظلّ ولایت موالیانش و با تحصیل معرفت نورانی ایشان که همان حقیقت تفقه در دین است، سیر سماوات می کند و «بِاسْمِهِمْ تُسَبَّحُ الْأَطْيَارُ»<sup>۱۳</sup>.

لذا در جوامع حدیثی، اهل قم را قائمین و ناصرین ولایت حضرت ولی الله الأعظم (أرواحنا فداه) و فقهای اهل درایت و حسن عبادت معرفی کرده اند؛

<sup>۱۰</sup> . سوره مبارکه نور، آیه ۴۱

<sup>۱۱</sup> . عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۳۴

<sup>۱۲</sup> . الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۵۶

<sup>۱۳</sup> . بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۲۵، ص ۱۷۴



«إِنَّمَا سَمِّيَ قَمٍ لَأَن أَهْلَهَا يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ يَقُومُونَ مَعَهُ وَ يَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَ يَنْصُرُونَهُ»<sup>۱۴</sup>.

«هُمُ أَهْلُ رُكُوعٍ وَ سُجُودٍ وَ قِيَامٍ وَ قُعُودٍ هُمُ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ هُمُ أَهْلُ الدَّرَايَةِ وَ الرُّوَايَةِ وَ حُسْنِ الْعِبَادَةِ»<sup>۱۵</sup>.

### • این آستان قدسی محفوظ و مؤمن، و دور از دسترس اغیار قرار گرفته است؛

مؤمنی که به سبب پذیرش ولایت موالیان و تفقه در حقیقت دین وارد کهف حصین آن حضرت شده است، از جمیع آفات و بلایا در امان خواهد بود. چنانچه در باب علت تسمیه قم به این نام، به رفع سلطه شیطان لعین از اهل قم که همان شیعیان ولایی ائمه اطهار (علیهم السلام) می باشند، اشاره شده است.<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۴</sup> . عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد، ج ۲۱، الکاظم علیه السلام)، ص ۳۴۳

<sup>۱۵</sup> . همان

<sup>۱۶</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ حَمَلَنِي جَبْرَائِيلُ عَلَى كَتِفِهِ الْأَيْمَنِ فَتَنَظَّرْتُ إِلَى بُقْعَةٍ بِأَرْضِ الْجَبَلِ حَمْرَاءَ أَحْسَنَ لَوْنًا مِنَ الزَّعْفَرَانِ وَأَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ، فَإِذَا فِيهَا شَيْخٌ عَلَى رَأْسِهِ بَرْنُسٌ، فَقُلْتُ لَجَبْرَائِيلَ: مَا هَذِهِ الْبُقْعَةُ الْحَمْرَاءُ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ لَوْنًا مِنَ الزَّعْفَرَانِ وَأَطْيَبَ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ؟ قَالَ: بُقْعَةُ شِيعَتِكَ وَ شِيعَةِ وَصِيِّكَ عَلِيٍّ. فَقُلْتُ: مَنْ الشَّيْخُ صَاحِبُ الْبَرْنُسِ؟ قَالَ: إِبْلِيسُ. قُلْتُ: فَمَا يُرِيدُ مِنْهُمْ؟ قَالَ: يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّهُمْ عَنْ وَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْفُسْقِ وَ الْفُجُورِ. فَقُلْتُ: يَا جَبْرَائِيلُ! أَهْوَى بَنَاتُ إِلَيْهِمْ فَأَهْوَى بَنَاتُ إِلَيْهِمْ أَسْرَعَ مِنَ الْبَرْقِ الْخَاطِفِ وَ الْبَصَرِ اللَّامِعِ. فَقُلْتُ: قُمْ يَا مَلْعُونُ! فَشَارِكْ أَعْدَاءَهُمْ فِي أَمْوَالِهِمْ وَ أَوْلَادِهِمْ وَ نِسَائِهِمْ فَإِنَّ شِيعَتِي وَ شِيعَةَ عَلِيٍّ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ، فَسُمِّيتُ قُمْ.

حضرت مولانا امام جعفر بن محمد الصادق (علیهما السلام) از پدران بزرگوارشان روایت می کنند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هنگامی که مرا به آسمان سیر و عروج دادند، جبرئیل مرا بر کتف راستش حمل می کرد، پس چشمم در زمین به بقعه ای سرخ که رنگش از زعفران زیباتر و بویش از مشک معطرتر بود افتاد، در آن بقعه شیخی و پیر مردی که بر سرش کلاه بلندی نهاده بود دیدم، به جبرئیل گفتم: این بقعه سرخ رنگی که رنگش از زعفران زیباتر و بویش از مشک معطرتر است چیست؟

جبرئیل عرضه داشت: اینجا مکان شیعیان شما و پیروان وصی شما امیرالمومنین علی (علیه السلام) است.

به جبرئیل گفتم: این شیخ و پیر مردی که کلاه بلند بر سر دارد کیست؟

جبرئیل عرض کرد: این ابلیس است.

و قم را «أَسْلَمَ مواضع» برای طائرین آل محمد (علیهم السلام) توصیف فرموده اند؛ «فَأَسْلَمَ الْمَوَاضِعَ يَوْمَئِذٍ قَصَبَةً قَمَّ تِلْكَ الْبُلْدَةُ الَّتِي يُخْرَجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَاوَأُمًّا وَجَدًّا وَجَدَّةً وَعَمًّا»<sup>۱۷</sup>.

أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
وَأَنْ لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ...  
نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي اللَّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالْدَّارَ الْآخِرَةَ  
يَا فَاطِمَةَ اشْفَعِي لِي فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ

به او گفتم: او از این شیعیان چه می‌خواهد؟

جبرئیل عرضه داشت: می‌خواهد ایشان را از ولایت و دوستی امیر المؤمنین (علیه السلام) باز دارد و آنها را به فسق و فجور دعوت می‌کند.

به او گفتم: ای جبرئیل، به سوی ایشان فرود آییم، پس با سرعتی سریعتر از برق جهنده و تیزتر از شعاع چشم خود را به ایشان رسانیدیم، به ابلیس گفتم: قم یا ملعون (بایست ای مطرود درگاه حق) و در اموال و اولاد و زنان دشمنان شیعیانم شرکت کن نه در اموال و اولاد و زنان ایشان، زیرا بر شیعه من و علی تو را دستی نیست و سلطه ای بر ایشان نخواهی داشت، از این رو این سرزمین به نام «قم» موسوم گشت.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۷۲

<sup>۱۷</sup> . بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۵۷، ص ۲۱۸



